

بررسی مقسم به و مقسم له در سوگندهای قرآنی

محمدرضا میرزانی*

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۱۴

اعظم پوینده پور**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۱۵

چکیده

می‌توان سوگندهای باری تعالی را در قرآن کریم دارای دو فایده مهم دانست یکی تأکید روی مطلبی بسیار مهم که اعتقاد و توجه بدان از مسائل مهم و اساسی جهان بینی بشر است و بدون آن هدف و برنامه‌ای صحیح برای رسیدن بدان هدف، حاصل نمی‌شود و دیگر بیان عظمت مقسم به یعنی چیزی است که بدان سوگند یاد شده است زیرا هیچ‌کس به موجودات کم‌ارزش و بی‌اهمیت سوگند یاد نمی‌کند در این مقاله کوشیده‌ایم سوگندهای قرآنی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و بیش از پیش بر اهمیت قرآن این معجزه آسمانی تأکید کنیم و یکی دیگر از وجوه این اعجاز را به نمایش بگذاریم تا زمینه‌ای باشد برای بهتر شناختن جهان و درک حقایق هستی، و فراهم نمودن زمینه کشت در دنیا به عنوان مزرعه آخرت، برای نیل به کسب رضایت حق.

کلیدواژگان: سوگند، آیه، قرآن، کتاب مقدس.

مقدمه

جهان آفرینش تجلی رحمانیت خداوند است و فراهم نمودن تمام وسایل لازم برای سیر استکمالی بشر، لذا سوگندهای او نیز نشأت از همین صفت و برای رسیدن بدان غایت می‌باشد.

انسان می‌تواند با توجه به اهمیت مقسم به‌ها و کمک گرفتن از آن‌ها برای رسیدن به ایقان و ایمان که در صورت مقسم له‌ها و جوابات سوگندها آمده است استفاده کند، در واقع هر مقسم بهی چون حائلی است که با تکیه فکری و عملی بدان انسان را به وصال حق نائل خواهد نمود:

البته هر کسی باید بداند که خداوند رحمان را نیازی به سوگند نیست ولی ارحم الراحمین بودن آن ذات اقدس اقتضا دارد که با همه عوامل هدایت را حتی اگر چه به صورت سوگند باشد- فراهم نماید تا شاید کوتاه‌فکرترین افراد و آنانی که در منجلاب کفر و شرک و فساد غوطه‌ورند نیز به قهر خداوند دچار نگردند و به سعادت و ساحل نجات نائل آیند.

این مهربانی باری تعالی را در گسیل حضرت موسی و هارون علیهما السلام می‌بینیم که حتی حاضر نیست فردی چون فرعون به عذاب خشم و غضب او گرفتار تمام عوامل هدایت او فراهم نموده و به رسول خود می‌فرماید با او در آغاز با قول لین و قول سدید صحبت کنید؛ ﴿لعله يتذكر أو يخشى﴾ باشد که متذکر شود یا از اعمال خود در برابر حق بترسد و هدایت گردد.

با توجه به آنچه مذکور افتاد می‌توان سوگندهای باری تعالی را در قرآن کریم دارای دو فایده مهم دانست یکی تأکید روی یک مطلب بسیار مهم که اعتقاد و توجه بدان از مسائل مهم و اساسی جهان‌بینی بشر است و بدون آن هدف و برنامه‌ای صحیح برای رسیدن بدان هدف، حاصل نمی‌شود و دیگر بیان عظمت مقسم به یعنی چیزی است که بدان سوگند یاد شده است زیرا هیچ‌کس به موجودات کم‌ارزش و بی‌اهمیت سوگند یاد نمی‌کند و این نکته نیز باید مورد توجه قرار داد که تمام آفرینش و اجزاء آن دارای اهمیت وجودی است که واجب الوجود ضرورت وجودی او را ایجاب و به منصفه ظهور رسانده است و هیچ چیز در این گردون عبث نخواهد بود و این اهم و مهم نمودن از

طرف انسان است که طبق سلیقه خود برای بعضی بهای بیش تر و بعضی ارزش کم تری قائل است، چون هر فردی از آدمی ارزش هر چیزی را در طیف نیازهای روحی و مادی خود می‌سنجد و الاّ در این جهان هیچ مهره‌ای هرز و بیخود نیست و شایستگی آن را دارد که وجود از طرف حق مقسم به واقع شود.

در یک سخن باید خلاصه کرد که «سوگندهای خداوند کریم در قرآن کلید دانش‌هاست» (تفسیر الجواهر، طنطاوی، ج ۲۵: ۲۵۸) و یکی از معجزات بزرگ علمی این کتاب آسمانی است که بر تارک اعصار می‌درخشد.

فرضیات تحقیق

- ۱- سوگندهای قرآنی دقیقاً چه معنایی دارند؟
- ۲- چرا بعضی از آیات قرآن با سوگند آغاز شده است؟
- ۳- دیدگاه عرفای مفسر درباره این آیات چیست؟

پیشینه تحقیق

۱- اولین کسی که در کتاب خود از سوگندهای قرآن کریم یاد کرده و به شکل مختصر درباره آن صحبت کرده است. بدرالدین زرکشی در کتاب «البرهان فی علوم القرآن» می‌باشد.

۲- جلال الدین سیوطی دومین فردی است که در کتاب گران سنگ خود، «الاتقان فی علوم القرآن» فصلی را به امر سوگندهای قرآن کریم اختصاص داده است.

۳- اولین کسی که برای سوگندهای قرآن کریم به تألیف کتاب مستقلی مبادرت کرده است با عنوان «التبیان فی اقسام القرآن»، علامه شمس‌الدین محمد بن ابی بکر معروف به ابن قتیبه جوزیه (متوفی ۷۵۱ق) است. او بین سال‌های ۶۹۳ تا ۷۵۱ قمری / ۱۲۲ تا ۱۳۵۰ میلادی می‌زیسته، شاگرد/حمد بن تیمیه - شیخ الاسلام فرقه وهابیت- است.

ابن قتیبه جوزیه فقیه حنبلی مسلک و دمشقی است که در مقابل فلسفه و عرفان و هم‌چنین یهودیت و مسیحیت ایستاد. گرچه کتابی در شرح کتاب «منازل السّائرين» خواجه عبدالله انصاری، به نام «مدارج السالکین بین منازل ایّاک نعبد وایّاک نستعین»

دارد؛ ولی از راه نقل وارد شده نه از راه تبیین عرفانی. او مصنفات دیگری در تصوف، و دال با آن‌ها دارد؛ از آن جمله «الفوائد المشوقة الى علم القرآن»، «علم البيان»، «شفاء العلیل فی القضاء والقدر» (المنجد، الاعلام: ۴۲۶).

۴- اولین کتاب فارسی درباره «سوگندهای قرآن کریم»، که با همین نام، تألیف، تدوین و در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی به طبع رسیده است؛ کاری ارزشمند از دانشمند محترم آقای ابوالقاسم رزاقی است. این اثر جدیداً تجدید چاپ شده است.

به غیر از موارد بالا فقط در کتب تفاسیر قرآن کریم، در مواضع سوگند، جسته گریخته توضیحاتی داده شده است، ولی کتابی که در عرفان باشد و یا تفسیر عرفانی مستقلاً را ارائه داده باشد؛ تا کنون - حداقل - نگارنده مشاهده نکرده است.

درباره تاریخچه سوگند از شواهد و قرائن چنین به دست می‌آید که قسم خوردن به زمان خاصی بستگی ندارد؛ بلکه به سان سنتی بجای‌مانده از روزگاران گذشته در همه زمان‌ها وجود داشته است و به یقین می‌توان گفت تاریخچه قسم به تاریخ بشر و زبان او باز می‌گردد؛ چراکه قرآن کریم به عنوان معتبرترین سند تاریخ بشر، سوگند خوردن انسان‌ها را در روزگاران دور حکایت می‌کند، از جمله از زبان حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید: ﴿تَاللّٰهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمۡ﴾: «به خدا سوگند! نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان در غیاب شما طرح می‌کنم» (انبیاء / ۵۷). هم‌چنین از زبان فرزندان یعقوب درباره برادرشان یوسف می‌فرماید: ﴿تَاللّٰهِ لَقَدْ اٰتٰرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا﴾: «به خدا سوگند! خداوند تو را بر ما مقدم داشته است» (یوسف / ۹۱).

کتاب مقدس نیز از زبان ابراهیم، اسرائیل، یوسف، موسی، داوود، سلیمان، عیسی (علیهم السلام)، پادشاهان، کاهنان و ... سوگندهای بسیاری حکایت می‌کند که در بخش مقایسه سوگندهای قرآن با قسم عهدین، بدان اشارات می‌شود.

در آیین‌نامه‌های پزشکی نیز از گذشته تا به امروز، سوگندنامه ویژه پزشکان به چشم می‌خورد که بیانگر پیشینه تاریخی قسم یادکردن‌های رسمی است، نویسندگان اخلاق پزشکی می‌نویسند: «در تمدن‌های آشور و بابل، سوگند خوردن پزشکان مرسوم بوده است (اخلاق پزشکی، تألیفات وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکان: ۲۷۰) که پس از این در «عقد الیمین»، اشاره‌ای دوباره بدان خواهیم داشت. افزون بر آنچه گذشت،

قرآن کریم قسم کاری شیطان در مقابل حضرت آدم و حوا را نقل می‌کند که: ﴿وقاسمهما انی لکمالمن الناصحین﴾: «و برای آن‌ها سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم» (اعراف / ۲۱).

اولین کسی که در کتاب خود از سوگندهای قرآن کریم یاد کرده و به شکل مختصر درباره آن صحبت کرده است بدرالدین زرکشی در کتاب «البرهان فی علوم القرآن» می‌باشد.

جلال الدین سیوطی دومین فردی است که در کتاب گران سنگ خود «الاتقان فی علوم القرآن» فصلی را به امر سوگندهای قرآن کریم اختصاص داده است.

اولین کسی که برای سوگندهای قرآن کریم به تألیف کتاب مستقلی مبادرت کرده است با عنوان «التبیین فی اقسام القرآن»؛ علامه شمس‌الدین محمد بن ابی بکر معروف به ابن قییم جوزیه است.

در معنی عرفانی پیمان، حق با بندگان در روز «الست» و ازل است و پای‌بند بودن به عهد و پیمان در دین اسلام از واجبات است و «إن حسن العهد من الایمان» آیات مربوط به عهد و راجع به وجوب وفای به عهد را فقهاء به چهار آیه متمسک شده‌اند:

۱- آیه ۲۳ سوره اسراء: ﴿واوفوا بالعهدان العهدان مسؤولا﴾: «به عهد وفا کنید، زیرا عهد مورد سؤال و بازخواست است».

۲- آیه ۱۵۲ سوره انعام: ﴿بعهدالله اوفوا اذ لکم وصیکم به لعلکم تذكرون﴾: «به عهد خدا وفا کنید، این امور مطالبی است که خداوند به شما توصیه می‌کند».

۳- آیات ۹۱ و ۹۲ سوره نحل: ﴿واوفوا بعهدالله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله تعلم ما تفعلون﴾ و ﴿لا تکنوا کالی نقضت غزلها من بعد قوة أنكاثا تتخذون ایمانکم دخلا بینکم ان تکون امة هی اربی من امة انما یلوکم الله به ولیین لکم یوم القیامة ما کنتم فیه تختفون﴾

واژه «قاسم» از باب مفاعله و بین دو طرف می‌باشد، و بدان معنی است که شیطان ابتدا قسم خورد که خیرخواه آن‌هاست و آدم در مقابل، او را سوگند داد که راست می‌گویی؟ بنابراین تفسیر کردن مقاسمه، به تغلیظ قسم، از سوی شیطان درست نیست. به هر صورت این آیه بیانگر این است که همراه با اولین بشر کنونی، قسم نیز وجود

داشته است. شاید نیازی به توضیح نباشد که قسم خوردن ویژه مردم و قوم خاصی نیست، بلکه در همه جوامع بشری وجود داشته و دارد، با این تفاوت که هر ملتی با توجه به احترامی که برای مقدسات خود دارد به آن‌ها قسم می‌خورد، یا به آن‌ها سوگند داده می‌شود. مسلمانان به خدا، پیامبر، امامان و دیگر امور مقدس قسم می‌خورند. یهودیان به مقدسات خودشان. مسیحیان به آنچه نزدشان مقدس است سوگند یاد می‌کنند. زردشتیان و سایر مذاهب نیز به محترمت و مقدسات خود قسم می‌خورند. از این رو در روایتی می‌خوانیم که علی(ع) یهود و نصاری را به کتابشان و مجوس را به آتشکده‌شان سوگند داد، و یا طبق روایت دیگری آن حضرت علمای یهود را به طور سینا و کنیسه‌هایشان قسم داد(وسایل الشیعه، کتاب الایمان، ب ۳۲، چ ۱۳).

هم‌چنین در آیین‌ها، ایسم‌ها و مکاتب دست‌ساخته بشر نیز، قسم خوردن به مقدساتشان امری طبیعی به نظر می‌رسد. به هر صورت در فرهنگ و ادبیات ملت‌ها، انواع سوگندها، در نثر و شعرشان به چشم می‌خورد.

در اینجا چند سوگند را که در قرآن کریم آمده از نظر مقسم به و مقسم له بررسی می‌نمائیم تا همراهی با این کلام معجز خود را به هدف مطلوب‌تر رهنمون سازیم.

۱-سوره مبارکه صافات نخستین سوره قرآن کریم است که در اولین آیات آن با سوگند شروع می‌شود سوگندهایی پرمعنا و اندیشه‌انگیز، سوگندهایی که فکر انسان را همراه خود به جوانب مختلف این جهان می‌کشاند و آمادگی برای پذیرش حقایق را می‌دهد.

همان‌گونه که قبلاً گفته آمد درست است که خداوند از همه راست‌گویان، راست‌گوتر است و نیازی به سوگند ندارد؛ به علاوه اگر برای مؤمنان باشد، که آن‌ها بدون سوگند تسلیم‌اند و اگر برای منکران باشد، آن‌ها که اعتقادی به سوگندهای الهی ندارند. ولی باید توجه داشت که دو نکته زیر در تمام آیات قرآن، مشکل سوگند را حل نخواهد کرد.

الف- همیشه سوگند را به امور پر ارزش و مهم یاد می‌کنند، بنابراین سوگندهای قرآن دلیل بر عظمت و اهمیت اموری است که به آن‌ها سوگند یاد شده و همین امر

سبب اندیشه هرچه بیش تر در مقسم به یعنی چیزی که سوگند بدان یاد شده است می‌گردد، اندیشه‌ای انسان را به حقایق آشنا می‌سازد.

ب- سوگند همیشه برای تأکید است و دلیل بر این است که اموری که برای آن‌ها سوگند یاد شده از امور جدی و مؤکد است که اعتقاد به آن‌ها در زندگی انسان پایه‌های جهان‌بینی و ایدئولوژی او را تبیین خواهد ساخت (همان‌گونه که گذشت).

از این گذشته هرگاه گوینده سخن خود را قاطعانه بیان کند، از نظر روانی در قلب شنونده بیش‌تر اثر می‌گذارد، مؤمنان را قوی‌تر و منکران را نرم می‌سازد.

به هر حال سوگند در آغاز این سوره (صافات) به نام سه گروه است که به آن‌ها سوگند یاد شده یعنی آن‌ها که صف کشیده‌اند- آن‌ها که قویاً نهی می‌کنند و آن‌ها که پی در پی ذکر الهی را تلاوت می‌کنند. یعنی فرشتگان عالم ملکوت برای اثبات حقیقت حقایق و رکن رکن جهان‌بینی انسان (توحید ذات حق) که چه نظراً و چه عملاً هر عقیده و عملی بر مبنای آن باعث رستگاری انسان می‌گردد.

۲- سوره صاد دومین سوره‌ای است که با سوگندهای مکرر آغاز می‌شود. سوگندهای بیدارکننده و آگاهی‌بخش بسیاری از سوره‌های قرآن که به خواست خداوند ما آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهیم چنین است و جالب اینکه این سوگندها غالباً مقدمه‌ای است برای بیان مسأله معاد، جز در مواردی که با مسأله توحید و غیر آن مربوط می‌شود و نیز جالب این که محتوای این سوگندها ربط خاص با محتوای رستاخیز دارد و با ظرافت و زیبایی مخصوصی این بحث مهم را از جوانب گوناگون تعقیب می‌کند.

۳- سوره مبارکه ذاریات که خداوند در آن به پنج موضوع مختلف سوگند یاد کرده است؛ چهار مورد آن پشت سر هم و یک مورد به صورت جداگانه. که خداوند با آن عظمت و قدرت بجای اطمینان دادن به بندگان شکاک و دیر باور سوگند یاد می‌کند که اینان نیز به ورطه هلاکت نیفتند.

۴- سوره مبارکه طور، یکی دیگر از سوره‌هایی است که با سوگند شروع می‌شود، سوگندهایی برای بیان یک واقعیت مهم یعنی مسأله قیامت و معاد در رستاخیز و محاسبه، اعمال انسان‌ها.

اهمیت این مسأله (قیامت) همان‌طور که گفته شد- به قدری است که در آیات مختلف به بسیاری از مقدسات برای حقانیت وقوع آن سوگند یاد شده تا عظمت آن روز هویدا شود.

پنج سوگندی که در آغاز این سوره به چشم می‌خورد معانی سربسته و تفکرانگیزی دارد که مفسران در تفسیر آن‌ها به همه جا دست افکنده‌اند.

در این سوره سوگند به کتابی خورده شده که بر صفحه‌ای از بهترین صفحات نگاشته شده و در عین حال باز و گسترده است و نه پیچیده.

سه سوگند نخست که از آیات تشریحی سخن گفته و دو سوگند بعد از آیات تکوینی سخن می‌گوید. این دو سوگند که از آیات تشریحی سخن گفته و دو سوگند بعد از آیات تکوینی سخن می‌گوید. این دو سوگند یکی اشاره به مهم‌ترین نشانه‌های توحید یعنی با عظمت است و دیگری به یکی از نشانه‌های مهم معاد که در آستانه رستاخیز رخ می‌دهد. بنابراین توحید و نبوت و معاد در این پنج سوگند جمع است.

ارتباط این قسمت‌ها و موضوعی که برای آن قسم یاد شده (مقسم له) این است که سوگندهای فوق بر محور قدرت خداوند در عالم تکوین و تشریح دور می‌زند، بیانگر این است که چنین کسی به خوبی قادر است مردگان را بار دیگر به زندگی و حیات بازگرداند و قیامت را بر خواهیم خواند.

۵- در سوره مبارکه نجم خداوند به موجودات عظیمی از جهان خلقت سوگند یاد می‌کند؛ در آیات دیگر قرآن نیز به خورشید و ماه و مانند آن سوگند یاد شده، تکیه بر غروب آن‌ها در حالی که طلوع آن‌ها بیش‌تر جلب توجه می‌کند، به خاطر آن است که غروب ستارگان دلیل بر اسارتشان در چنگال قوانین خلقت است، و این سوگند برای این یاد شده که هرگز دوست شما (محمد(ص)) منحرف نشد و مقصد را گم نکرده است.

۶- در سوره مبارکه قلم خداوند هم به ابزار قلم و هم به محصول آن (مایسرون) سوگند یاد کرده است زیرا قلم تضمین‌کننده سعادت حیات بشری است. بسیاری برای اتصال میراث گذشتگان به آیندگان و اینکه قرآن که خود حاصل قلم حق تعالی است بهترین گواه عدم جنون آورنده آن است هرچند کوردلان برای گرمی بازار فریب و ربای خود چنین نسبت‌های پوچی را بدو می‌دهند.

۷- در سوره مبارکه قیامت سوگند یاد شده که روز قیامت و رستاخیزی هست و این به خاطر آن است که مسأله رستاخیز آن‌چنان مسلم شمرده شده که حتی در برابر منکران می‌توان سوگند یاد کرد.

۸- در آیات سوره مرسلات نخست به بادها و طوفان‌ها سوگند یاد شده و این به خاطر نقش مهمی است که آن‌ها در جهان آفرینش دارند؛ ابرها را به حرکت در می‌آورند سپس آن‌ها را بر فراز زمین‌های خشک و مرده پیوند می‌دهند و بعد از نزول باران آن‌ها را متفرق می‌سازند. بذرهای گیاهان را جابه‌جا می‌کنند و جنگل‌ها و مراتع را به وجود می‌آورند و بسیاری گل‌ها و میوه‌ها را بارور می‌سازند و حرارت و برودت را از مناطق مختلف زمین به نقاط دیگر می‌برند و هوای آلوده را برای تصفیه به صحرا می‌فرستند. آب‌های دریا را متلاطم و موج و برای موجودات زنده آبی پر از اکسیژن می‌کنند، آری بادها و نسیم‌ها خدمات عظیم و حیاتی در جهان دارند.

بخش دیگر این سوگندها که از برنامه نزول وحی به فرشتگان سخن می‌گویند، نیز در عالم معنی شباهت با وزش نسیم در عالم ماده دارد و فرشتگان کلمات وحی را که همچون قطرات باران زنده‌کننده‌ای است بر قلوب پیامبران خدا(ع) نازل می‌کنند و گل‌ها و میوه‌های معارف الهی و تقوی را در قلب‌ها می‌رویاند، و به این ترتیب خداوند هم به مربیان عالم و معنی سوگند یاد کرده است. جالب اینکه این سوگندها برای بیان واقعیت روزی است که تمام این تلاش‌ها و کوشش‌ها به ثمر می‌نشیند یعنی «روز قیامت و یوم الفصل».

۹- در آیه ۲۳ سوره ذاریات خداوند سوگند خورده و فرموده است: ﴿فَورب السماء والأرض انه لحق﴾ که بر حقیقت رزق و روزی آدمی و ... دلالت دارد و آن این است که خداوند متعال که رب و مدبر آسمان و زمین است، مبدأ رزق و روزی هم همان تدبیر الهی است.

۱۰- در آیه ۷۲ سوره حجر در مورد مستی کفار سوگند یاد کرده و فرموده: ﴿نعمرک انه لفي سكرتهم يعمهون﴾ عین سوگند بر گمراهی و کوری آنان، دلیل آن را نیز بیان فرموده و آن جان پیامبر(ص) است، جانی که طاهر و به عصمت خدایی، مصون از هر

نقض است و معلوم است که مخالف چنین پیامبری معصوم، در مستی و سرگردانی به سر می‌برد.

۱۱- در سوره مبارکه انشقاق خداوند متعال به شفق و شب و آنچه را که جمع‌آوری می‌کند و بدر کامل سوگند یاد می‌کند مقسم به هایی با عضو یک تشکیلات و مربوط به هم‌اند و ربوبیت حق تعالی را در نظام آفرینش و قدرت لایزال او را در ترکیب بدیع جهان و آفرینش که هیچ وقت بر اثر تکرار ملالی را ایجاد نمی‌کند و کهنه نمی‌شود می‌رساند. شاید قفل‌ها از قلوب باز شود و اندیشه از حصیص تن رها شده و بیندیشند و از نردبان ترقی صعود نمایند و این سوگندها چه تناسب عجیبی با جواب خود دارند؛ عناصری که نظام طبیعت را تشکیل می‌دهد و با جریان خود شرایط ترقی انسان را فراهم می‌نمایند تا او دائماً از وضعی و حالتی به وضع و حالتی بالاتر و بارونق‌تر پیش رود (تکامل) و به غایت و هدف خود که برایش مقدر شده برسد.

۱۲- در سوره تین خداوند به سرزمین شام و بیت‌المقدس و طور سنین و شهر مکه سوگند یاد کرده و بیان داشته که «ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم» ولی او به علت انتخاب بد به پایین‌ترین مرحله بازگردانده شد. به سرزمین‌هایی که انبیاء و اولیاء خداوند در آن به هدایت پرداخته‌اند سوگند یاد کرده، و در این جهت خلقت انسان را مطرح کرده است که در شرایط لازم و کافی برای پیروی از رسالت انبیاء و طی نمودن طریق هدایت اندازه‌گیری و تقویم یافته است. این خود اوست که باید خود را در مهذب الطاف و فیوضات حق قرار دهد تا به کمک استعدادها و قوای فطری خود به سعادت برسد.

ما به یمن عدد کامل اثنی عشر (۱۲) که عدد اولیاء حق بعد از ختم رسل می‌باشد موارد مذکور را آوردیم، که پیروی از هدایت قرآن و عترت پاک حضرت ختمی مرتبت (ص) تنها راهگشای بهشت رضوان حق است؛ و تمام سوگندها در قرآن این حقیقت را اشعار می‌دارد که یکی از چهره‌های اعجاز این کتاب آسمانی همانا قسم‌های قرآن است و روابط پیچ در پیچ آن‌ها با هم و با عناصری که به آن‌ها سوگند یاد شده است و از زیباترین و درخشانده‌ترین فرازهای آن است.

یکی دیگر از وجوه این اعجاز تشویق و تحریض مردم است به شناخت طبیعت و خلقت که آن هم غیر مستقیم ترغیب است به تحصیل و بعد عقلانی و قوه فاکره و پرورش دادن هر دو در جهت درک حقایق هستی، و فراهم نمودن زمینه کشت در دنیا به عنوان مزرعه آخرت، برای نیل به کسب رضایت حق.

نتیجه بحث

اگر بخواهیم نکات بدست آمده از تحقیق حاضر را بیان کنیم؛ باید به طور خلاصه به مطالب ذیل اشاره کنیم:

«سوگند» عبارت است از مؤکد نمودن کلام یا یک مفهوم با ارزش از نظر گوینده و یا مخاطب؛ و بسته به ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جهان بینی گوینده یا مخاطبان، «سوگند» و «مقسم به» عوض می‌شود.

هر قدر «مقسم له» مهم‌تر و شریف‌تر باشد، «مقسم به» نیز به همان نسبت، مقدس‌تر و ارزشمندتر می‌گردد.

انسان برای مواردی «قسم» یاد می‌کند که از نظر او مهم و قابل ارزش است. در قرآن نیز در مواردی از «قسم» استفاده شده که از اهمیت برخوردار بوده است. «مقسم به» ها در آیات قرآنی از شرافت و قداست خاصی برخوردار هستند. از شواهد و قرائن چنین به دست می‌آید که «قسم خوردن» به زمان خاصی اختصاص ندارد، بلکه به صورت «سنت» در بین اقوام مختلف در طول تاریخ وجود داشته است. اما میزان استفاده از قسم در زبان‌های مختلف متفاوت بوده است. به عنوان مثال جامعه انسانی مقیم مکه در صدر اسلام، در بیان ما فی الضمیر خویش از «قسم» زیاد استفاده می‌کرده‌اند.

سوگندها از نظر «مقسم به» و «مقسم له» به انواع مختلف تقسیم می‌شوند. قرآن نیز در مواردی از «قسم» استفاده کرده است، که بیش‌تر آن‌ها را در رأس سوره شریفه ملاحظه می‌کنیم. سوگندهای باری تعالی در قرآن کریم دارای دو فایده مهم است؛ یکی تأکید روی موضوعی بسیار مهم که اعتقاد و توجه بدان از مسائل مهم و اساسی جهان بینی الهی است و بدون آن هدف و برنامه‌ای صحیح، برای رسیدن به آن

اهداف مهم حاصل نمی‌شود؛ و دیگری بیان عظمت «مقسم به» یعنی چیزی است که بدان سوگند یاد شده است؛ زیرا این اصل است که هیچ کس به موجودات و مفاهیم کم‌ارزش سوگند یاد نمی‌کند.

اجزاء و ابزار «قسم» در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. به عنوان مثال در زبان فارسی از کلمه «مقسم به» استفاده می‌شود؛ می‌گوییم «به خدا قسم»، اما در ادبیات عرب، حروفی ابزار قسم شمرده می‌شود، که عبارت‌اند از واو- باء- تاء- لام. هر کدام از این حروف کارکرد خاصی داشته است.

در برخی موارد، در قرآن به جای سوگند و استفاده از ابزار از «لاء» استفاده شده؛ مثلاً می‌فرماید: ﴿لَا اَقْسَمُ بِمِيقَاتِهَا...﴾ در چنین مواردی نیز بر خلاف ظاهر کلام که می‌توان باید قسم نمی‌خورم در واقع نوعی قسم است. به همین سبب بعضی «لا» را زائده دانسته و بعضی نشانه عظمت و بزرگی، که به آن سوگند یاد شده است.

نظر دیگری نیز وجود دارد که عده‌ای گفته‌اند این «لا»، لای نافی است، به این معنی که قرآن با کلمه «لا» اندیشه و یا گفتار کفار نفی کرده؛ سپس برای اثبات و ادعای خویش که خلاف عقیده آنان سوگند یاد می‌کند. این تحقیق نظر اول را ترجیح داده است.

سوره‌هایی که در آن‌ها از سوگند استفاده شده محدود است. هم‌چنین آیاتی که در یک سوره آمده در تعداد کمی از آن‌ها سوگند وجود دارد، لذا این تحقیق کار خود را محدود به همین آیات سوگند دار نموده است.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن عطیه اندلسی، ابی محمد عبدالحق. بی تا، **تفسیر المحر الوخیر فی تفسیر الکتاب العزیز**، بی جا: دار ابن حزم.

ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر. ۲۰۱۴ق، **التبیان فی اقسام القرآن**، صححه محمد حامد الفقی، بیروت: دار المعرفه.

بحرانی، سید هاشم. بی تا، **البرهان فی تفسیر القرآن**، بیروت: الاعلی للمطبوعات.

جوزی قرشی بغدادی، ابی الفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد. بی تا، **تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر**، دار ابن حزم.

حر عاملی، شیخ محمد بن حسن. ۱۳۹۱ق، **وسائل الشیعه**، ج ۴، بی جا: دار احیاء.

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. ۱۳۶۴ق، **تفسیر اثنی عشری**، تهران: میقات.

رازی، ابوالقاسم. ۱۳۶۱ش، **سوگندهای قرآن**، مقدمه جعفر سبحانی، قم: انتشارات توحید.

رازی، ابوالفتوح حسین بن علی. ۱۳۶۶ش، **تفسیر روض الجنان وروح الجنان**، به کوشش محمد باقر جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

سجادی، جعفر. ۱۳۷۳ش، **فرهنگ معارف اسلامی**، تهران: انتشارات کومش.

طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۶۳ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. بی تا، **تفسیر جوامع الجامع**، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

معاونت فرهنگی وزارت بهداشت و آموزش پزشکی. **اخلاق پزشکی**، تهران، ۱۳۷۰ش.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۵۳ش، **تفسیر نمونه**، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.